

ناصر ایمانی: مشکل اصولگرایان مشکل قدرت است

ناصر ایمانی می گوید: مشکل اصولگرایان مشکل قدرت است، آنها احساس می کنند که در قدرت هستند و در قدرت هم خواهند ماند، بنابراین انشقاق حاصل می شود چون احساس می کنند در قدرت ماندنی هستند.

به گزارش سایت خبری پرسون، مشارکت در انتخابات ۱۱ اسفند رکورد شکست و از میزان مشارکت در انتخابات ۱۴۰۰ پایین شد، اما پیام این مشارکت پایین چیست؟ ناصر ایمانی معتقد است مسئولان باید پیام این انتخابات و روی کار آمدن چهره هایی رادیکالی را دریافت کنند و نسبت به رفع علل چنین مشارکت پایینی اقدام کنند.

او که با خبرگزاری خبرآنلاین گفتگو کرده، با کنایه به فراموشی زودرس مسئولان، می گوید: «این تکرارها اعم از تحولات اجتماعی یا انتخابات با مشارکت پایین به هیچ وجه خوب نیست و نشان دهنده استمرار یک وضعیت غیر عادی در جامعه است.»

او گریزی نیز به اختلاف بین اصولگرایان می زند و تاکید دارد: «مشکل اصولگرایان مشکل قدرت است، آنها احساس می کنند که در قدرت هستند و در قدرت هم خواهند ماند، بنابراین انشقاق حاصل می شود چون احساس می کنند در قدرت ماندنی هستند.»

مشروح گفتگوی خبرگزاری خبرآنلاین با ناصر ایمانی را بخوانید؛

آقای ایمانی! در این دوره از انتخابات مجلس شورای اسلامی میزان مشارکت از دوره یازدهم نیز پایین تر بود، تحلیل شما از این میزان مشارکت چیست؟

میزان مشارکت در این انتخابات، یکی از پایین ترین آمارهایی است که ما در این چهل و اندی سال گذشته در انتخابات مجلس شاهد بودیم. در مورد علل این کاهش مشارکت زیاد صحبت شده و دلایل گفته شده است، یک دلیل هم ندارد و دلایل متعددی دارد.

مسئولان دچار فراموشی زودرس نشوند

ممکن است که یکی دو تا دلیل از دلایل اصلی باشند و سهم بیشتری را بخود اختصاص دهند. دلایلی نظیر دلایل اقتصادی ولی دلایل دیگری نیز وجود دارد که حتما باید به آنها هم توجه شود. مهمترین فاکتور این است که مسئولان مختلف در سطوح مختلف کشور این پیام را دریافت نکنند و به عبارتی دچار فراموشی زودرس نشوند که این انتخابات تمام می شود یا اعتراضات اجتماعی مثل سال گذشته تمام می شود و بعد هم همه چیز را فراموش کنند و یادشان برود که چرا اینطور شد.

به عبارتی یادمان برود که چند صباح دیگر شاید از این تحولات اجتماعی داشته باشیم یا انتخاباتی داشته باشیم و به نوعی شاهد حضور کم رنگ مردم در صحنه باشیم و مجددا تکرار چنین وضعیتی.

پیام اعتراضات و انتخابات با مشارکت پایین

این تکرارها اعم از تحولات اجتماعی یا انتخابات با مشارکت پایین به هیچ وجه خوب نیست و نشان دهنده استمرار یک وضعیت غیر عادی در جامعه است. بنظر من مهم تر از اینکه چه عواملی دخیل هستند این است که مسئولان اولاً بفهمند یک عواملی وجود دارد و در ثانی آن عوامل را به درستی شناسایی کنند و ثالثاً تا جایی که می توانند اقداماتی انجام دهند تا آن عوامل رفع شود. درست است که ما بیش از یکسال تا انتخابات بعدی در کشور فرصت داریم ولی معلوم نیست و ممکن است در این زمان به یکباره تحولات اجتماعی هم سر برسد، این موضوع را باید درک کنند.

متأسفانه بنظر می رسد گریایی در مسئولان مختلف در حوزه های متعدد از بالا تا پایین کم است. آنهایی که فکر می کردند نارضایتی عمومی سال گذشته تمام شد باید به نتایج انتخابات نگاه نکنند که نشان دهنده این است که تمام نشده است.

رأی آوردن چهره های پرخاشگر و رادیکالی پیام مهمی دارد

مسئولان باید درک کنند که در زیر پوست جامعه وقایعی وجود دارد که واقعی هستند و استمرار پیدا کرده است. مدت هاست که ما شاهد این نارضایتی ها هستیم، چه در صندوق رای و چه در خیابان ها، باید این دلایل را پیدا کرد و به درستی و با روش علمی و با دقت و به دور از احساسات و پرده پوشی روی واقعیت ها به آنها پرداخت.

تحلیل تان مشخصا درباره آراء تهران چیست؟

چیزی که می توان گفت این است که چهره هایی که شاخصه اصلی شان رادیکالیسم و پرخاشگری است رأی آورده اند که این موضوع نیز پیام دارد.

مجلسی که با این آراء حداقلی شکل بگیرد چه خطراتی می تواند داشته باشد؟

قبل از اینکه انتخابات انجام شود بارها صاحب نظران مختلف در مورد این خطرها گفته اند، هر چقدر که ما کاهش آرا داشته باشیم بالاخره مجلس تشکیل می شود، رئیس جمهور به هر حال انتخاب می شود، شورای شهر هم همینطور. ولی نرفتن به پای صندوق رأی موجب چند اتفاق می شود.

واقع بینانه می گویم و از این طرف و آن طرف هم دفاع نمی کنم، فرض کنیم که اصلا در ایران نیستیم و در یک کشور دیگری هستیم، چند اتفاق منجر به این کاهش مشارکت می شود، اولاً اینکه وضعیت ایران در منطقه وضعیت خاصی است و این کاهش آراء، برای کشورهای دیگر معنادار است، از کسانی که با ما دشمنی دارند تا آنها که دشمنی هم ندارند، این کاهش مشارکت امنیت ملی را مورد سوال قرار می دهد .

در مشارکت پایین افرادی با کارآمدی پایین و با رأی کمتر از ۲۰ هزار روی کار می آیند

اثر دوم این است که با کاهش آراء افرادی در صحنه می آیند و مسئولیت را بر عهده می گیرند که با آراء بسیار پایینی می آیند و با ۲۰ هزار رأی یا کمتر بر صندلی مجلس می نشینند که این عدد می توانست ۱ تا ۲ میلیون هم باشد. قاعدتا وقتی مشارکت کم باشد افرادی روی کار می آیند که از سطح علمی، کارشناسی، توانایی و کارآمدی پایین تری برخوردار هستند و این اتفاق خوبی برای کشور نیست.

یعنی دور باطل ادامه می یابد، چرا که مجلسی که ضعیف باشد رئیس جمهور و شورای شهر نیز ضعیف می شود و کشور بد اداره می شود، وقتی کشور بد اداره شود نارضایتی بیشتر می شود و وقتی نارضایتی بیشتر شود میزان مشارکت کاهش پیدا می کند و در این دور باطل وقتی مشارکت کاهش پیدا می کند افرادی وارد صحنه می شوند که توانایی لازم را ندارند. از همین لیست تهران می توانیم متوجه شویم کسانی که تا الان مطرح هستند چه سطح توانایی و کارآمدی دارند که اگر مشارکت بالاتر بود قاعدتا این ترکیب نبود.

اصولگرایان از یک بیماری رنج می برند؛ بیماری قدرت

آقای ایمانی! حذف چهره های اعتدالی، میانه رو و اصلاح طلب و مشخصاً رقیب قوی، تا چه حد فضا را به سمتی برد که بین اصولگرایان انشقاق بیشتری ایجاد شود و به لیست واحد نرسند؟

من خیلی این فاکتور را در انشقاق اصولگرایان قوی نمی دانم، اتفاقاً به صحنه آمدن اعتدالیون باید موجب اتحاد بیشتر آنها می شد که نشد. اصولگرایان از یک بیماری رنج می برند که این بیماری با آمدن یکی دو تا لیست از اعتدالیون هم اصلاح نشد.

در هر دوره ما ۴ یا ۵ لیست گردن کلفت از اصول گرایان می دیدیم، اگر چه این دوره برخی اعتدالیون لیست هم دادند ولی اصلاً باعث اتحاد اینها نشد. الان مشکل اصولگرایان مشکل قدرت است، آنها احساس می کنند که در قدرت هستند و در قدرت هم خواهند ماند، بنابراین انشقاق حاصل می شود چون احساس می کنند در قدرت ماندنی هستند.

اگر همه این لیست های اصولگرا را جمع بزنیم (اگر مشترکات را کنار بگذاریم) شاید بیش از ۷۰ تا ۸۰ نفر کاندید داشتند. تعداد و انشقاق شان خیلی زیاد بود و حملات شان به یکدیگر بدون رودروایی و اینکه توجه کنند این هم از همان جناح است بود. این یک درد مزمن است که اصولگرایان دارند .